

## سرمقاله

از پاییز ۱۳۸۲ که دوره جدید فعالیت کمیته تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی و انقلاب انجمن جامعه‌شناسی ایران آغاز شد طی نشست‌های ماهانه از صاحب‌نظران این حوزه درخواست شد تا نگارش مقالاتی را برای ویژه‌نامه مجله انجمن جامعه‌شناسی در این موضوع عهده‌دار شوند. ادبیات جامعه‌شناسی انقلاب، که به‌ویژه با وقوع انقلاب اسلامی ایران با نوعی غافلگیری نظری مواجه شده بود، طی دو دهه گذشته عصری پرتکاپو را پشت سر گذاشت تا جایی که به قول بعضی صاحب‌نظران این دوره عصر تولد نسل چهارم نظریه‌های انقلاب نامیده شده است. این تکاپو در جامعه ایران که مهد این انقلاب بود به نحوی بارز جلوه‌گر شد و حجم نسبتاً انبوهی از تألیفات و ترجمه‌ها در موضوع انقلاب را موجب شده است که در مقایسه با دهه‌های قبل از انقلاب رشدی چشمگیر را نشان می‌دهد.

اگر سال‌های اول پیروزی انقلاب را دوره ارائه پاسخ‌های شتاب‌زده به مسئله چرایی وقوع انقلاب در ایران بدانیم، دهه بعدی را باید دوره حضور تبیین‌هایی نسبتاً عمیق‌تر یا تأملاتی جدی‌تر درباره این انقلاب دانست که با ترجمه‌ها و تألیفاتی نواز تئوری‌ها و نظریه‌پردازی در اصل موضوع انقلاب نیز همراه است و این امر از عطش جامعه علمی ایران در فهم رخداد انقلاب و درک موقعیت جامعه پس از انقلاب حکایت می‌کند.

اینک در دهه سوم این رخداد عظیم، با آثاری مواجهیم که در مجموع می‌توان آن را آثار «پیامدی» نام گذاشت. این مفهوم وقتی روشن‌تر معنا می‌شود که مطالعات انقلاب را در سه حوزه «علل و زمینه‌ها یا چرایی»، «فرآیند یا چگونگی» و «پیامد یا نتیجه» طبقه‌بندی کنیم. با عنایت به این طبقه‌بندی می‌توان گفت آثار دو دهه قبل را عمدتاً آثار چرایی و چگونگی تشکیل می‌داد و اینک عصر تأمل در پیامدها یا نتیجه است که فی‌نفسه بحث اهداف و انتظارات از انقلاب را نیز مطرح می‌کند و طبعاً چالش‌های این عرصه را نیز دامن می‌زند.

ویژه‌نامه‌ای که پیش رو دارید، نمادی از تأملات در این سه عرصه است؛ اما تقریباً همگی ادبیات انقلاب را با نگاهی به انقلاب اسلامی ایران رصد نموده‌اند. دو مقاله، تحولات نظریه‌پردازی انقلاب در پرتو انقلاب اسلامی را تعقیب نموده‌اند. یک مقاله به تبیین عملکرد دستگاه سرکوب رژیم شاه و علل ناتوانی آن در مواجهه با انقلاب پرداخته است و مقاله‌ای دیگر به حوزه مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها اختصاص دارد و عملکرد نهادین و دین‌داران را در دو انقلاب ایران و فرانسه مقایسه کرده است. مقاله دیگر به نوعی تأمل نظری در قابلیت‌های ناسیونالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی راهنمای عمل می‌پردازد و به نحوی تلویحی به علل ضعف نظری جریان ملی‌گرا در انقلاب ایران نظر دارد. چالش‌های فراروی انقلاب در مواجهه با تغییرات جمعیتی از درون و پدیده جهانی شدن از بیرون موضوعات دو مقاله دیگر است که بیشتر وضعیت پیامدی انقلاب را مد نظر دارد.

امید است این مجموعه نه از آن جهت که پاسخی به مسائل مبنایی این عرصه ارائه کرده باشد، بلکه توانسته باشد با طرح مجدد سؤال‌های از پیش موجود یا طرح مسائل جدید انگیزش و همت صاحب‌نظران را به تلاشی پربرتر در این عرصه موجب شده باشد و شکوفه‌های این بذرافشانی را در ویژه‌نامه‌های بعدی شاهد باشیم.

علی محمد حاضری

مسئول کمیته تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی و انقلاب